غلبه صورت گرایی در «طیف الخیال»

فرزاد، نازنین

سید مرتضی و برادرش شریف رضی از عالمان و فقیهان و ادیبان و نوآوران بنام‏ شیعه در قرون چهار و پنج هجری به شمار می‏روند.اما از این دو شریف(سید)رضی‏ به علت گردآوری بخش‏های مهمی از خطبه‏ها،نامه‏ها و حکمت‏ها(کلمات‏ قصار)امیر المؤمنین علی(ع)با عنوان‏ «نهج البلاغه»معروف عام و خاص شد.اما برادرش سید مرتضی در میان عموم مردم‏ ناشناخته است،حال آن که خواص به‏ بزرگی و رفعت درجه علمی وی آگاهی‏ کامل دارند.

سید مرتضی آثار متعددی دارد که یکی‏ هم امالی اوست با عنوان«غرر الفوائد و درر القلائد».اما«طیف الخیال»را که دکتر نصرت الله فروهر،به فارسی برگردانیده‏ است بخشی از امالی است در حوزه نقد شعر که توسط«نازنین فرزاد»بررسی و معرفی شده که ملاحظه می‏فرمایید.

سید مرتضی و برادرش شریف رضی،از شخصیت‏های مهمی بودند که در قرن چهارم و پنجم‏ هجری،از نوآوران محسوب می‏شدند.گردآوری‏ نهج البلاغه توسط شریف رضی،این پیام را به‏ مسلمانان ابلاغ کرد که انسان آرمانی اسلام در این‏ کتاب،قابل ردیابی است.

قرن‏های چهارم و پنجم هجری،از دیدگاه نقد شعر،یکی از دوره‏های خطیر ادبیات اسلامی است. در این روزگار،به طور جدی،با دیدی علمی به شعر نگریسته شد و علمای بلاغت به تألیفاتی در باب‏ رویکرد شعر،دست زدند که از آن جمله‏اند:

-ابو الحسن محمد بن طباطبا العلوی(متوفی به‏ سال 322 هـ)مؤلف کتاب عیار الشعر

قدامة بن جعفر(متوفی به سال 337 هـ)مؤلف‏ نقد الشعر.

ابو هلال عسکری(متوفی به سال 395 هـ) صاحب کتاب الصناعتین:الکتابة و الشعر و کتاب‏ المصون فی الادب و کتاب دیوان المعانی.

حسن بن بشر آمدی(متوفی به سال 371 هـ) نویسنده کتاب الموازنة بین شعر أبی تمام و البحتری.

ابو عبد الله محمد بن عمران المرذبانی(متوفی به‏ سال 348 هـ)حاحب کتاب الموشح فی مآخذ العلماء علی الشعراء.

علی بن عبد العزیز الجرجانی(متوفی به سال‏ 366 هـ)نویسنده کتاب الوساطة بین المتنبی و خصومه.

تنوع ساختار زندگی در سرزمین‏های غیر عرب‏ نو مسلمان،شکل زندگی اعراب را دگرگون کرد تا آنجا که عرب کویری،اشعاری در توصیف برف، سرود.یعنی عرب در برخورد با عناصر غیر بومی، صدق عاطفه‏اش را در شعر و شاعری از دست داد. بنابر این شعر،عنصری جدی و مهم در آن روزگار تلقی شد.

سید مرتضی،که نسبش به امام موسی کاظم(ع) می‏رسد در سال 355 هـ در بغداد زاده شد و در سال‏ 436 هـ در همانجا در گذشت.

سید مرتضی،مردی فاضل،ادیب،بزرگ‏منش‏ و فقیه بود،به طوری که همه مورخان به شکوه و هیبت‏ او اشاره کرده‏اند.مرتضی در نزد شاهان آل بویه مقام‏ و منزلتی والا داشت.کتابخانه‏اش چنانکه گفته‏اند هشتاد هزار جلد کتاب داشت.او در همه علوم‏ روزگار خودش سرآمد بود.

مورخان تألیفات سید مرتضی را بالغ بر هفتاد و یک‏ اثر نوشته‏اند.اما آنچه او را در میان اهل فضل و ادب‏ مشهور ساخته،کتاب أمالی اوست با نام دقیق‏ غرر الفوائد و درر القلائد.این کتاب در نزد اهل ادب‏ به درر و غرر نیز شهرت دارد.

استاد گرامی آقای دکتر نصرت الله فروهر بخشی‏ از امالی را به نام طیف الخیال برگزیده و آن را به فارسی‏ برگردانده است.

مترجم در پیشگفتاری بالغ برسی صفحه‏ خوانندگان را با کار دشوار خود آشنا می‏کند و سپس‏ مقدمه استاد حسن کامل صیرفی را بر امالی می‏آورد. در نتیجه مقدمه کامل کتاب طیف الخیال،به‏ هشتاد و سه صفحه می‏رسد.این مقدمه جامع،افزون‏ بر معرفی سید مرتضی و آثار و اندیشه‏های او، دریچه‏ای روشن به برشی از تاریخ فرهنگ و اندیشه‏ اسلامی است،و قرون چهارم و پنجم را که‏ روزگارانی خطیر در تاریخ اندیشه و ادبیات اسلامی‏ است به تصویر می‏کشد.

در این مقدمه عالمانه،تمامی اظهار نظرها مستند به اسناد تاریخی است.و از مورخان و دانشمندانی‏ مشهور نام برده می‏شود که از آن جمله‏اند:

-ابن تغری بردی،صاحب کتاب النجوم الزاهرة

-ابو منصور ثعالبی مؤلف کتاب یتیمة الدهر

یاقوت حموی صاحب کتاب معجم الادباء

ابن حزم اندلسی نویسنده کتاب جمهرة أنساب‏ العرب

ابن خلکان صاحب کتاب وفیات الاعیان

ترجمه کتاب طیف الخیال(گستره خیال)به‏ فارسی،از نثری ساده،روان و پاکیزه برخوردار است.اما متأسفانه اغلاط چاپی،گاهی به روانی‏ عبارات لطمه می‏زند و از کم توجهی عوامل نشر خبر می‏دهد.به نظر حقیر،کتابی فنی مانند طیف الخیال، که موضوع اصلی آن اشعار عرب است و به ناچار، ابیاتی فراوان با اعراب کامل دارد،باید با حوصله‏ای‏ بیشتر و فنی‏تر چاپ شود.

طیف الخیال،در حقیقت نوعی نقد عملی شعر است که سید مرتضی با کالبدشکافی اشعاری از شاعران‏ بزرگ عرب و برادرش شریف رضی،و اشعار خودش،به بررسی نحوه تخیل آنان می‏پردازد.او می‏گوید...چشم در حالت بیداری،سبب و علت‏ تخیل و تصور است.تا این که آن خیال و صورت به‏ زیباترین شکل در درون ضمیر نقش بگیرد.و اگر چنان‏ حالت در بیداری نباشد،پس فریب تخیل است که‏ می‏تواند در عالم خواب چنان حالتی را زنده کند.پس‏ فریبندگی خیال،عامل و سبب ملاقات و زیارت آن‏ چیزی خواهد بود که شخص به دنبال آن است.پس‏ دل و قلب است که خود عامل تخیل است و می‏تواند در مقابل دیدگان تصویری را مجسم کند که در حقیقت‏ وجود ندارد...(ص 196)

به بیان دیگر،صور خیال،در ضمیر ناخودآگاه‏ شاعر ساخته می‏شود و عامل اصلی آن سوابق ذهنی و اطلاعاتی او،از محیط پیرامون خویش است.

سید مرتضی در باب شباهت مضامین شعری‏ شاعران مختلف،نظری جالب ایراد کرده است.او می‏گوید:هر کس که شعری می‏سراید و به ساختن‏ چکامه‏ای دست می‏زند در واقع از دیگری پیروی‏ نمی‏کند.ولی ممکن است حاصل اندیشه او نظیر سخنی باشد که پیش از وی کسی به ساختن آن دست‏ زده باشد،اگرچه ممکن است نظیر او را در شعر شاعری دیگر بتوان پیدا کرد.و این توارد،مانع از آن‏ نخواهد بود که فضل متقدم،خدشه‏دار شود.زیرا شاعر متأخر در پرداختن به آن عبارت،از کسی پیروی‏ نکرده و مفهومی را از دیگری ندزدیده و نادانسته و ناآگاهانه به ساختن عبارتی دست‏زده است که پیش از وی،دیگران نیز به آن اندیشه رسیده بوده‏اند.در واقع‏ عبارت‏ها،حاصل اندیشه و ذهن انسانی است و ممکن است یک نوع تصور و تخیل در ذهن افراد گوناگون،در زمان‏های مختلف یا همزمان،خلق و ایجاد شود.(ص 215)

به بیان دیگر سید مرتضی،در نقد تطبیقی خود در مسأله توارد،به تجربیات مشترک،معتقد است و بسیاری از آنچه را که به سرقات ادبی شهرت دارد، نمی‏پذیرد و شاعر را بی‏گناه می‏داند.

سید مرتضی در جایی دیگر از رساله«طیف الخیال» بیشتر فرم گرا است و بر شکل ارایه،تاکید دارد و فرم‏ را اصل شعر قرار می‏دهد و اصالت را به شیوه ارائه‏ می‏دهد و نه به خود مضمون.از این جهت او را می‏توان تا حدی صورتگرا دانست.زیرا مضمون و تم در شعر،امری ما بعدی است و همین نکته است‏ که شعر را از نظم،جدا می‏کند:

...هرگاه کسی معنی رایج و متداولی را به‏ نیکوترین و رساترین و زیباترین شکل آن درآورد،در واقع او را اولین مبتکر و خلاق آن معنی می‏توان‏ گفت.اگرچه پیش از وی،معنی متداول به شکل‏های‏ دیگری نیز در شعر شاعران به کار رفته باشد.پس لذت‏ بردن از عبارت‏های شعری،بیشتر از لذت موجود در معنی اشعار است و به تعبیر دیگر،شیرینی لفظ بر معنی برتری دارد.(ص 238)

برای اثبات نظر سید مرتضی می‏توان مضامین و تصویرهایی را مطالعه کرد که حافظ شیرازی از شاعران‏ پیش از خود،وام ستانده و آنها را به نیکوترین صورت‏ در غزلیات خودش آورده است.جناب آقای‏ خرمشاهی در مقدمه حافظ نامه خود،این موارد را به‏ تفصیل آورده است:

خاقانی شروانی:

ای صبحدم ببین که کجا می‏فرستمت‏ نزدیک آفتاب وفا می‏فرستمت

حافظ:

ای هدهد صبا به صبا می‏فرستمت‏ بنگر که از کجا به کجا می‏فرستمت

عطار نیشابوری:

به هواداری گل ذره صفت در رقص آی‏ کم ز ذره نه ای،او هم ز هوا می‏آید

حافظ:

به هواداری او ذره صفت رقص کنان‏ تا لب چشمه‏ی خورشید درخشان بروم

از نقاط ضعف کتاب«طیف الخیال»که غیر قابل‏ بخشش است،این است که نامی از شاعر توانای عرب‏ متنبی،در این کتاب نیست.ظاهرا نامی از شاعر فیلسوف معاصر سید مرتضی یعنی ابو العلاء معری نیز در کتاب دیده نمی‏شود.معری تقریبا هم سن و سال‏ مرتضی بوده و در مجالس او گاهی رفت و آمد می‏کرده‏ است.اما به جهت طرفداری معری از متنبی،با او برخورد خوبی نداشته است.

اگر شعر عرب را تا آن زمان به شاهنامه فردوسی‏ تشبیه کنیم،متنبی،در حکم رستم این شاهنامه است. اما متأسفانه مسائل غیر ادبی،باعث شده است تا دانشمندی بزرگ چون سید مرتضی نیز سخت‏ تحت تأثیر احساسات غیر ادبی،قرار گیرد و این شاعر بزرگ را حذف کند و او را نادیده بگیرد.در حالی که‏ امام علی(ع)که مظهر عدالت است در نقد ادبی نیز این عدالت را تمام و کمال به نمایش می‏گذارد.در نهج البلاغه است که:«و سئل:من أشعر الشعراء؟ فقال علیه السلام:ان القوم لم یجروا فی حلبة تعرف‏ الغایة عند قصبتها،فان کان و لا بد فالملک الضلیل. از امام(ع)می‏پرسند شاعرترین شاعران عرب کیست؟ امام می‏فرماید:این قوم،یعنی شاعران سبک‏های‏ مختلف دارند،اما اگر مجبور باشم که نظرم را بگویم، من پادشاه گمراه و سرگردان را شاعرترین می‏دانم. این ملک ضلیل،امرؤالقیس،شاعر بلند آوازه عصر جاهلی و یکی از مهمترین افراد از اصحاب معلقات‏ سبعه است.می‏دانیم که این شاعر، فاسد الاخلاق‏ترین شاعران کل تاریخ شعر عرب‏ است.اما امام،مسایل غیر ادبی را در قضاوت خود دخالت نمی‏دهد.

البته در مقدمه کتاب(ص 60)در باب حذف نام و اشعار متنبی،از قول یاقوت حموی این گونه توضیح‏ داده شده است...مرتضی نسبت به متنبی،خشم‏ می‏ورزید و او را دشمن می‏داشت و متنبی با مرتضی‏ تقریبا همزمان و یا نزدیک به حیات وی بوده،چنانکه‏ وی در سال 354 وفات یافته،یعنی یک سال پیش از تولد مرتضی مرده است.

سپس توضیحاتی درباره ادعای نبوت متنبی آورده‏ می‏شود و این که او با علویان دشمن بوده است.نکته‏ این است که به قول مقدمه نویس:این دشمنی هرچه‏ بوده باشد،مرتضی در طیف الخیال،به شعر متنبی‏ نپرداخته است.اما علی رغم گفتار یاقوت حموی، در کتاب‏های مرتضی مشاهده نمی‏کنیم که علیه وی‏ نیز سخن رفته باشد آن چنانکه دیگران و معاصران‏ متنبی زبان به طعن و سرزنش وی گشوده‏اند. (ص 61)

مترجم فرزانه استاد فروهر،در ترجمه این اثر رنج‏ فراوان برده‏اند و اشعار متن را با ترجمه دقیق و تا حدی‏ نزدیک به متن با اعراب کامل آورده‏اند که برای‏ دانشجویان بسیار سودمند است.

ما بر این باوریم که کتاب«طیف الخیال»که‏ نشان دهنده رویکرد نقد شعر،در سده‏های چهارم و پنجم هجری است،برای پژوهشگر ادبیات،بسیار سودمند است،زیرا اعراب که با شعر می‏زیستند و با شعر می‏مردند،نقد شعر آنان بسی پر اهمیت است، بویژه که نقاد خود نیز یکی از شاعران و علمای بلاغت‏ در ادب روزگار خویش است.همچنین موضوع‏ اصلی کتاب که گسترده خیال است،می‏تواند از دیدگاه‏ نقد اجتماعی و تحولات سیاسی و اجتماعی و حتی‏ اقتصادی که در زندگی شاعر عرب رخ داده است قابل‏ اعتنا باشد و ما را در شناخت هرچه بیشتر شعر عرب‏ یاری کند.